**علامه طباطباییِ دیروز و امروز و فردای‌ ما**

**باسمه تعالی**

1- در زمان‌شناسیِ علامه طباطبایی«رحمۀ‌الله‌علیه» همین بس که ایشان از یک طرف متوجه خصوصیات انسانی بودند با سؤالاتی جدید، و از طرف دیگر متوجه امکان تاریخی بودند که توان ارائه معارف دینی را در قالبی مناسب زمانه می‌شناختند.

2- علامه طباطبایی در بستر حکمت صدرایی که حکمتی است در راستای نیاز بشر جدید، معارف قرآنی را با ما در میان می‌گذارند زیرا ایشان به خوبی متوجه جایگاه حکمت متعالیه جناب صدرالمتألهین بودند. در آن حدّ که به گفته آیت الله جوادی فرموده باشند: همه ما بر سر سفره‌ای نشسته‌ایم که مرحوم آخوند(ملاصدرا) گشوده است.

3- بشر جدید نیاز به حضوری دارد که خود را در عین بیکرانگی، قدسی و متعالی احساس کند و در این راستا در دل تاریخ جدید، خود را پیدا کند، تاریخی که به جهت سیطره کمیّت و فرهنگ خودبنیادیِ انسان، انسان را گرفتار بی‌معنایی کرده است و در نتیجه انسان خودش برای خودش مسئله شده است.

4- علامه طباطبایی در کتاب «رسالۀ الولایه» در بستر حکمت متعالیه جناب صدرالمتألهین، متوجه و متذکر معنای انسان در حضور اکنون بیکرانه جاودانه به سوی او هستند، و با نظر به همین موضوع، ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»(مائده/105) بحث مفصلی را به میان آوردند.

5- جهاد فکری کم‌نظیرِ علامه طباطبایی که رهبر معظم انقلاب متذکر آن بودند؛ به طریق تهاجم نسبت به اندیشه‌های وارداتی، عملاً نه‌تنها در کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، حتی در تفسیر قیّم «المیزان» با هویت «سیاسی و اجتماعی» بسیار چشمگیر است.[[1]](#footnote-1)

6- آیا می‌توان گفت جناب علامه طباطبایی متعلّق به تاریخی است که با جناب صدرالمتألهین شروع شد؟ تاریخی که تاریخِ مواجهه فرهنگ قدسی تشیع است با آنچه در غرب به عنوان عقل غربی به ظهور آمد و موضوع آن، سوبژگیِ انسان بود.

7- آیا حاشیه علامه طباطبایی بر «اسفار اربعه» جناب صدرا، حکایت از آن ندارد که ایشان با حضور در معارف مطرح‌شده در «اسفار اربعه» بنا دارند با همراهی با آن معارف، آن معارف را تفصیل دهند؟ راستی! آیا نمی‌توان گفت که مکتب حکمت متعالیه صدرالمتألهین با درک تاریخی دقیقی که جناب صدرا داشت، به جناب علامه طباطبایی کمک کرد تا «المیزان» خلق شود؟

8- علامه طباطبایی«رحمۀ‌الله‌علیه» با تفسیر «المیزان» که به تعبیر مقام معظم رهبری«حفظه‌الله‌تعالی» یک تفسیرِ شگفت‌آور است؛ قرآن را به دنیای ما نزدیک کردند بدون آن‌که آن معارف را تقلیل دهند و یا گشودگی انسان جدید را نادیده بگیرند. این است معنای پرکردن خلأیی که رهبر معظم انقلاب متذکر آن شدند که باید به پایگاه فکری مستحکمی نظر کرد، با هویت سیاسی و اجتماعی، با آرایش تهاجمی.

1. - آیت الله جوادی آملی درچهاردهمین همایش اساتید تفسیر حوزه به مناسبت سى و ششمین سالگرد ارتحال علامه طباطبایى«رحمة‌الله‌علیه» در نگاه تاریخی خود به علامه می‌فرمایند: «علامه طباطبایی از مسائلی که در عالم اتفاق می‌افتاد در خدمت قرآن بهره برد؛ علامه حادثه‌های تاریخی را ورق زد، مشروطه را تشریح و خواسته‌های مشروطه را شناسایی کرد، جنگ جهانی اول و دوم را شناسایی کرد و پس از فیش‌برداری از سؤال‌های آن، وارد تفسیر شد، آن سؤال‌ها را به خدمت قرآن عرضه کرد و پاسخ گرفت که المیزان شد.» [↑](#footnote-ref-1)